

## باسمه تعالی

### نمونه طرح پژوهشی (حوزه رشته اقتصاد)

#### عنوان پژوهش

راه کارهای اجرای توزیع عادلانه درآمد بین عوامل تولید

#### مسئله پژوهش

توزیع عادلانه درآمد به دست آمده از فعالیت اقتصادی از دیرباز یکی از سؤالات مهم مکاتب اقتصادی بوده است. در جامعه امروز نیز این مشکل وجود دارد. در حال حاضر مالک اصلی بنگاه اقتصادی که اکثرا سرمایه گذار نیز محسوب می شود و نیز کسی که صرفا سرمایه گذار بنگاه می باشد، از بیشترین سهم در سود بدست آمده برخوردارند و کمترین سهم از تولید در اختیار کارگر و نیروی انسانی قرار دارد به گونه ای که سود مالک عبارتست از سود بنگاه منهای دستمزد نیروی کار و ابزار تولید. این وضعیت موجب شده است تا کارگران همیشه از نظر اقتصادی و جایگاه اجتماعی در وضعیت پایین تر قرار بگیرند و با آنها به عنوان یک ابزار تولید که دارای بازار عرضه و تقاضا می باشند برخورد شود. علاوه بر این عدم احساس تعلق به بنگاه تولیدی و کمبود وجدان کاری نیز از جمله مسائل دیگری است که این وضعیت می تواند بر آنها مؤثر باشد.

در حال حاضر روش غالب در روابط کارگر و کارفرما چه در ایران و چه در سایر جوامع اسلامی روش سرمایه داری توزیع درآمد بین عوامل تولید است. در این روش سرمایه محور تولید بوده و انسان و سایر عوامل در خدمت سرمایه قرار دارند. سرمایه بخش اعظمی از درآمد را تصاحب می کند و فقط وظیفه دارد تا اجرت حداقلی نیروی کار را بپردازد. لذا ضروری است تا به روشی عادلانه و مبتنی بر نگاه اسلام به جایگاه انسان دست یافت. انسان در اقتصاد اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردار است که تمام سایر عوامل تولید همگی در خدمت او و تلاش او قرار دارند و نتیجه فعالیت تولیدی در اصل نتیجه فعالیت انسانی و نیروی موظف است تا عایدی هر یک از عوامل تولید را پرداخت کرده و بقیه سود را تصاحب کند.

حال سؤالاتی که پیش روی این پژوهش قرار دارند عبارتند از:

۱. در فعالیتهای اقتصادی فعلی از چه قاعدهای دقیقا برای توزیع سود پس از تولید استفاده می شود؟
۲. چه عواملی منجر به حاکمیت این قواعد شده است؟
۳. این قواعد چه تفاوتی با دیدگاه اسلامی توزیع سود پس از تولید دارند؟
۴. چه اصلاحات فرهنگی و قانونی و نهادی باید انجام شود تا قواعد توزیع سود پس از تولید اسلامی جایگزین شود؟

#### حیطه موضوعی پژوهش

مکتب اقتصاد اسلامی موضوعات گسترده و در عین حال منسجمی را در بر می گیرد. معمولا اینگونه تصور می شود که مکتب اقتصادی فقط در مقام بحث از الگوی توزیع ثروت می باشد اما اینگونه نیست و مکتب هم به مباحث تولید و هم به

مباحث توزیع می‌پردازد منتهی حیث و نوع نگاهی مکتب متفاوت است و آن مباحثی را مطرح می‌کند که مبتنی بر نظریه عدالت بوده و جهت‌گیری اصلی را نشان می‌دهد. به عنوان مثال اینکه دانش‌بنیان بودن تولید موجب ارتقا کیفیت آن می‌شود یک بحث مکتبی نیست اما اینکه آیا باید تولید را جهت‌دهی کرد یا نه و به چه سمتی جهت‌دهی کرد، یک بحث مکتبی است. موضوعات مربوط به توزیع ثروت در مکتب اقتصاد اسلامی به دو بخش عمده توزیع پیش از تولید و توزیع پس از تولید تقسیم می‌شود. توزیع پیش از تولید ناظر به قواعد توزیع منابع طبیعی و نحوه مالکیت آنها و حقوق و تکالیف مالکان آنهاست و توزیع پس از تولید نیز به بررسی نحوه توزیع ثروت تولید شده توسط انسان‌ها در فرایند تولید می‌پردازد.

### پیشینه پژوهش

(باید تمام پژوهش‌هایی که سعی کرده‌اند وضعیت موجود توزیع پس از تولید را تحلیل و تبیین کنند یا اینکه در صد بیان دیدگاه اقتصاد اسلامی در مورد توزیع پس از تولید بوده‌اند ذکر شوند. در انتهای این بررسی‌ها بایستی کمبود موجود در این پژوهش‌ها در راستای پاسخگویی به مسأله پژوهش نشان داده شود.)  
به عنوان مثال:

زاهدی وفا و پیغامی در مقاله خود<sup>۱</sup> (۱۳۸۸) از مباحث مربوط به توزیع پیش از تولید به عنوان هسته مرکزی سه زیرنظام تولید، توزیع و مصرف یاد می‌کنند و به ضرورت مباحث مربوط به توزیع پیش از تولید و پس از تولید در دانش اقتصادی پرداخته و نشان می‌دهند که اقتصاد سرمایه‌داری بدون توجه به این روابط و تفاوت‌گذاری اساسی بین حالت‌های مختلف آن دچار نقصی جدی در تحلیل اقتصادی می‌باشند. این تحقیق نشان می‌دهد روابط افقی (مشارکت در سود) یا عمودی (دریافت دستمزد ثابت) مرز تمایز بین نظام‌ها و ایدئولوژی‌های اقتصادی و حتی رصد و پایش تغییرات مربوط به جریان‌ات و اندیشه‌های اقتصادی در تاریخ و قرن اخیر در همین مسأله نهفته است که اندیشه اقتصادی اسلام قرن‌ها پیش به آن توجهی ویژه داشته است. وی در این مقاله به طور خاص به بررسی جایگاه سرمایه (پول) و زمان در نظریه توزیع پس از تولید می‌پردازد. وی با بررسی سهم پول نشان می‌دهد که امکان ندارد پول دارای اجرت باشد و نیز با بررسی مفهوم زمان و مقایسه جایگاه آن در اقتصاد سرمایه‌داری و منابع اسلامی بیان می‌کند که مالیت زمان و ارزش آن در اندیشه اسلامی قابل طرح است. اما حرمت قطعی ربا و لزوم مرزبندی جدی آن با مسأله ارزش زمانی و همچنین ضرورت بقاء مسأله زمان در حوزه اقتصاد حقیقی، مستلزم این معناست که صاحب پول نمی‌تواند همزمان عهده‌دار دو نهاد تولید، یعنی پول و زمان باشد.

### چارچوب نظری پژوهش

در اصل، اشراف ما به لزوم وجود این حالت ایده‌آل موجب شده است تا به وجود مسأله پی ببریم. در اینجا بخش‌هایی از چارچوب نظری پژوهش در موضوع توزیع پس از تولید را بیان می‌کنیم.

<sup>۱</sup> زاهدی وفا، محمدهادی، پیغامی، عادل، پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۸

## عوامل تولید و جایگاه انسان در فرایند تولید

اقتصاد اسلامی انسان را محور تولید و فعالیت تولیدی و تمام عوامل تولید را طفیلی انسان می‌داند که در خدمت او قرار دارند. صرف نظر از اینکه در دیدگاه اقتصاد سرمایه‌داری عوامل تولید چگونه تعریف می‌شوند و چه نظریاتی در این زمینه ارائه شده است، نکته بسیار مهمتر این است که تمامی عوامل تولید در سطحی یکسان قرار دارند و همه آنها سهمی در تولید دارند که در حدود مشارکت‌شان و به اقتضای قانون عرضه و تقاضا به آنها پرداخت می‌شود. این مکتب، انسان و کار انسانی را در عرض دیگر مؤلفه‌های تولید قلمداد می‌کند و سهم هر یک از عوامل و مؤلفه‌ها را بر اساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌کند. انسان همانند دیگر عوامل تولید بازاری به نام بازار کار دارد که عرضه و تقاضا میزان دستمزد او را مشخص می‌کند. در حالی که اسلام اساساً انسان و کار انسانی را یک مؤلفه و عامل تولید در عرض دیگر عوامل تولید قلمداد نمی‌کند. از نظر مکتب اقتصاد اسلامی کارگر و انسان محور تولید و صاحب حق اولی در تولید است و تمام دیگر مؤلفه‌ها مثل سرمایه، ابزار تولید و... یاور انسان در تولید و در خدمت اهداف تولیدی او قرار دارند.<sup>۲</sup> به طور دقیق‌تر انسان در جایگاه هدف تولید قرار دارد و نه وسیله آن. سایر وسایل مادی در خدمت انسان هستند چون اساساً تولید کاری است که برای انسان صورت می‌پذیرد و هر یک از عوامل تولید که متعلق به خود انسان تولیدکننده نباشند مستحق دریافت پاداش هستند و پاداش در اینجا یک نوع بدهی است که بر عهده تولیدکننده قرار دارد. کسی که طلبکار است را نمی‌توان شریک در فرایند تولید نامید و فقط طلبی دارد که باید به او پرداخت شود.

انسان قبل از هر نوع ماده و وسیله‌ای، در منابع طبیعی ثروت دارای حقی است که به واسطه کار و بهره‌برداری به او می‌رسد. این حق اولی برای سرمایه وجود ندارد و لذا سرمایه‌دار نمی‌تواند به واسطه اجیر گرفتن چند کارگر و استفاده از دسترنج آنها به یک باره مالک بخش وسیعی از منابع طبیعی شود زیرا در ادامه و ذیل عنوان قاعده اصلی توزیع پس از تولید خواهیم گفت که مکتب اقتصاد اسلامی کار مستقیم را شرط تملک ثروت طبیعی می‌داند.<sup>۳</sup>

طبق دیدگاه مکتب اقتصاد اسلامی عوامل تولید از این سه حالت خارج نیستند:

۱. نیروی انسانی (کارگر)

۲. ابزار تولید (اعم از زمین، ساختمان، ابزار آلات، دستگاه‌ها)

۳. سرمایه

در ادامه سعی می‌شود تا دیدگاه مکتب اقتصاد اسلامی در مورد اصول دریافت عایدی این عوامل بیان شود.

قاعده اصلی: درآمد تنها بر اساس انجام کار استوار است

مهم‌ترین قاعده که مبنای دیدگاه اسلامی در توزیع پس از تولید می‌باشد، ایجاد ارتباط مستقیم بین درآمد و کار است. درآمد تنها بر انجام کار استوار است و هر درآمدی که به دست می‌آید باید در ازای کاری باشد. کسب درآمد بدون ارتباط

<sup>۲</sup> اسلام راهبر زندگی، ص ۱۱۰

<sup>۳</sup> اقتصاددان، ج ۲، صص ۲۵۷-۲۶۰

با کار مشروع نیست و مکتب اقتصاد اسلامی آن را رد می‌کند. تنها توجیه‌کننده برای آنکه عوامل تولید عایدی از درآمد به دست آمده داشته باشند، کاری است که آنها در این رابطه انجام داده‌اند.<sup>۴</sup>

کسی حق ندارد که وجود یک درآمدی را برای خود بدون کار تضمین کند. مثلاً اگر کسی خانه‌ای را به ۱۰ میلیون تومان اجاره کند و سپس آن خانه را به مبلغ ۱۱ میلیون تومان اجاره دهد، این درآمد مشروع نیست. زیرا «بدون انجام هیچ کاری» این فرد توانسته درآمدی را برای خود «تضمین» کند.

#### توزیع درآمد تولید اولیه

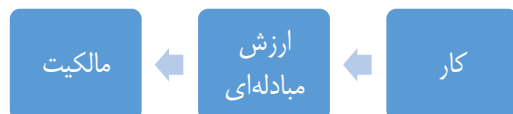
هرگاه ماده اصلی که کارگر در فرایند تولید در آن به کار پرداخته، ثروتی طبیعی به شمار آید که کسی مالک آن نباشد، نظریه اسلامی توزیع پس از تولید، همه ثروت تولید شده را به کارگر عطا می‌کند. مانند چوبی که کارگر از درخت جنگل قطع می‌کند یا ماهی دریا و پرندۀ هوا که از طبیعت صید می‌شود یا مواد معدنی که از معادن استخراج می‌گردد یا زمین مرده که کشاورز آن را احیا و آماده تولید می‌کند و یا آبی که فرد آن را از اعماق زمین بالا می‌کشد. هیچ یک از این ثروت‌ها در وضع طبیعی خود از آن کسی نیست. پس فرایند تولید در این‌ها به فرد تولیدکننده حقی خاص در آن می‌بخشد و ابزارهای مادی تولید در تملک این ثروت‌ها نقشی ندارند.<sup>۵</sup>

#### توزیع درآمد تولید ثانویه: پدیده پایداری مالکیت

هرگاه ماده اصلی که در فرایند تولید روی آن کار می‌شود، در نتیجه یکی از اصول در نظریه عمومی توزیع پیش از تولید، ملک یا حقی از آن فرد دیگر باشد، معنایش آن است که تملک یا اختصاص آن در توزیع پیشین انجام شده است. در این حال دیگر مجالی فراهم نیست که با تولید جدید، مالکیت آنها به انسان کارگر یا هر یک از عواملی که وی در تولید به کار گرفته، سپرده شود. بنابراین، اگر نجاری مثلاً با چوبی که در ملکیت فرد دیگری است یک میز درست کند، نمی‌تواند به واسطه نجاری که انجام داده با مالک چوب شریک شود. زیرا چوب، از قبل مالک مشخصی داشته است و با تغییر شکل آن مالکیت آن از بین نمی‌رود. این پدیده همان چیزی است که آن را پدیده پایداری مالکیت گویند.

#### بیان و نقد دیدگاه مارکسیسم

از نظر مارکسیسم ارزش مبادله‌ای کالا زائیده کاری است که بر روی آن انجام می‌شود و مالکیت نیز بر مبنای میزان ارزش مبادله‌ای ایجاد شده در کالا تفسیر و تعیین می‌شود. به عبارتی رابطه زیر برقرار است:



<sup>۴</sup> اقتصاددان، ج ۲، ص ۲۹۹

<sup>۵</sup> اقتصاددان، ج ۲، ص ۲۶۸

در نتیجه هر کارگری حق دارد که هرگاه به ماده‌ای ارزشی تازه ببخشد مالک ارزشی شود که در آن ماده ایجاد کرده است. لذا از نظر مارکسیسم، نجار مثال ما در میز تولید شده به اندازه ارزش مبادله‌ای که تولید می‌کند دارای حقی قانونی است. به طور کلی مارکسیسم به هر فرد، حق مالکیت را به اندازه ارزش مبادله‌ای که در ثروت تجسم بخشیده، می‌دهد و بر این اساس که میان مالکیت و ارزش مبادله‌ای ارتباط قائل می‌شود، باور دارد که مالک نیروها و ابزارهای مادی تولید، از سهمی در ثروت تولید شده بهره دارد؛ زیرا آن نیروها و ابزارها در ایجاد ارزش کالای تولید شده، به اندازه‌ای که طی فرایند تولید استهلاک یافته‌اند، دخالت می‌یابند. بدین سان، مالک ابزار استهلاک یافته، مالک ثروت تولید شده‌ای می‌گردد که آن ابزار بدان منظور استهلاک یافته، به اندازه‌ای که ابزار وی در ایجاد ارزش آن ثروت نقش داشته است.<sup>۶</sup>

برخلاف مارکسیسم اسلام ارتباط بین ارزش مبادله و مالکیت را قطع می‌کند و به کارگر بر اساس ارزش جدیدی که در ماده ایجاد نموده، حق مالکیت در آن نمی‌دهد. بلکه کار را پایه مستقیم مالکیت می‌داند. بنابراین هرگاه کسی مالک ماده ای باشد هیچ فردی حق ندارد که به مالکیت جدیدی در آن ماده دست پیدا کند، هرچند با کار خودش ارزش افزوده‌ای جدید در آن ایجاد کرده باشد.

#### تفاوت محوریت سرمایه با پدیده پایداری مالکیت

در بدو امر این‌گونه به نظر می‌رسد که پدیده پایداری مالکیت اجراکننده همان دیدگاه سرمایه‌داری یعنی محوریت و مالکیت سرمایه برای عایدی تولید است؛ چرا که چوب در حقیقت، سرمایه کار نجار بوده است و این سرمایه است که مالک نتیجه کار نجار شده است. اما باید به تفکیکی دقیق توجه داشت. دادن مالکیت میز به صاحب چوب بر اساس ویژگی سرمایه بودن چوب نیست و به این معنا نیست که سرمایه حق تملک بر کالای تولیدی را دارد؛ زیرا ابزارهای نجار نیز به نوعی سرمایه به حساب می‌آیند. طبق دیدگاه اقتصاد اسلامی - که در ادامه بیان خواهد شد - مالک ابزار نمی‌تواند با مالک چوب در مالکیت میز شراکت داشته باشد. هدف از دادن مالکیت میز به صاحب چوب این نیست که سرمایه تنها عاملی قلمداد شود که حق مالکیت بر کالای تولید شده را دارد بلکه اقتصاد اسلامی به مالکیت خصوصی به وجود آمده پیش از کار نجار احترام می‌گذارد و آن را پاسداری می‌کند. طبق دیدگاه مکتب اقتصاد اسلامی یک مال به محض تحول یافتن از مالکیت صاحب اول خارج نمی‌شود، حتی اگر این تحول به خلق ارزش تازه در آن انجامیده باشد.<sup>۷</sup>

مثال دیگر در اثبات این تفاوت دیدگاه مکتب اقتصاد اسلامی در مورد مالکیت محصول، زمینی است که بذر آن مال فردی و زمین آن مال فرد دیگری است و کشاورز دیگری روی زمین کار کرده است. در این مورد مالک زمین به این دلیل که یک ابزار تولید است در تولید شریک نیست و فقط اجرت ثابتی را دریافت می‌کند اما مالک بذر به حکم این که مالک

<sup>۶</sup> اقتصادنا، ج ۲، ص ۲۶۹ و ۲۷۲

<sup>۷</sup> اقتصادنا، ج ۲، صص ۲۷۰-۲۷۱

عنصر اصلی ماده‌ای است که تبدیل به محصول شده، مالک محصول نیز می‌باشد. حال آنکه هر دو از جنس سرمایه می‌باشند.<sup>۸</sup>

عایدی نیروی انسانی (کارگر) از درآمد تولید

نیروی انسانی در دو حالت می‌تواند در یک کار تولیدی مشارکت داشته باشد:

۱- دریافت دستمزد

۲- شراکت در سود یا محصول

دریافت دستمزد یعنی اینکه یک نفر می‌تواند به عنوان نیرویی که مزد ثابتی دریافت می‌کند در کار تولیدی مشارکت کند که در این حالت تولیدکننده مالک منفعت کار کارگر می‌شود یا به عبارتی دیگر او را اجیر خود کرده است. امروزه مشارکت اکثر افراد در فعالیت‌های اقتصادی از این نوع می‌باشد. مهمترین ویژگی این نوع مشارکت وجود عامل «تضمین» در عایدی کارگر است. وقتی کارگر حاضر شده است که مبلغ مشخصی را دستمزد یا اجرت بگیرد، تولیدکننده اصلی وظیفه دارد که صرف نظر از هر نتیجه مثبت و منفی که از کار تولیدی او به دست می‌آید، دستمزد مشخص شده را بپردازد. بنابراین مواجهه فعالیت تولیدی با زیان یا حتی ورشکستگی نمی‌تواند بهانه‌ای برای عدم پرداخت دستمزد فردی باشد که با عامل تضمین در یک کار تولیدی مشارکت کرده است. در کنار این حق کارگر، همین عامل تضمین برای تولیدکننده اصلی نیز اثر مثبتی دارد و آن اینکه اگر کار تولیدی با سود سرشاری مواجه شود، کارگر حق ندارد به بهانه اینکه این سود در حقیقت نتیجه کار اوست درخواست اجرتی بیشتر بیش از مقدار تضمین شده را داشته باشد. شراکت در سود یا محصول نیز زمانی است که کارگر تضمین دریافت عایدی را از دست می‌دهد و درآمد خود را با سرنوشت کار تولیدی گره می‌زند. معمولاً رهایی این تضمین منجر به دریافت درآمدی بیشتر از حالت دستمزد ثابت می‌شود و این پاداشی است که کارگر در ازای از دست دادن عامل تضمین دریافت می‌کند.

## روش پژوهش

برای دستیابی به اطلاعات کاملی در مورد وضعیت موجود نیازمند روش پژوهشی دقیق می‌باشیم. در شناخت وضعیت موجود باید علل شکل‌گیری این وضعیت مشخص شود تا بتوان با استفاده از انواع راه‌کارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این علل را از مسیر تحقق چارچوب نظری برداشته و مسأله حل شود. حل مسأله در حقیقت عبارتست از راه‌کارهایی که ارائه می‌دهیم تا وضعیت موجود به وضعیت مطلوب بیان شده در چارچوب نظری، تغییر پیدا کند. امکان دارد که در مسیر شناخت وضعیت موجود متوجه شویم که اقتضائاتی وجود دارد که امکان تحقق کامل وضعیت مطلوب وجود ندارد و باید مثلاً در ۵ مرحله به سمت آن حرکت کرد. در مورد پژوهش پیش رو با توجه به اینکه چارچوب نظری پژوهش می‌بایست مبتنی بر دیدگاه

<sup>۸</sup> اقتصادنا، ج ۲، صص ۲۷۳-۲۷۶

مکتبی و ایجابی اسلام باشد، می‌باید با استفاده از روش استنباط یا همان اجتهاد بدست آمده باشد تا بتوان گفت که از صحت انتساب به اسلام به عنوان شرطی اساسی برخوردار باشد چرا که استفاده از روش‌های غیردقیق در استخراج چارچوب نظری که در حقیقت دیدگاه اسلامی می‌باشد می‌تواند موجب انحراف کلی مسیر تحقیق بشود، لذا اندیشه شهید صدر که در کتاب اقتصادنا ارائه شده است، به عنوان مبنای استخراج چارچوب نظری و دیدگاه مکتب اقتصاد اسلامی انتخاب شده است.

در زمینه شناخت وضعیت موجود نیز می‌باید روش برای شناخت روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه انتخاب شود که از هستی‌شناسی اسلامی نسبت به جامعه و فرد و معرفت‌شناسی اسلامی نشأت گرفته باشد. به عنوان مثال اعتقاد به اصالت فرد یا اصالت جامعه، هر یک می‌تواند دستگاه تحلیلی متفاوتی نسبت به چپستی روابط اجتماعی و کنش‌های افراد و تأثیر و تأثر آنها بر پدیده‌های اجتماعی ارائه دهد که ضروری است محقق در مقام بیان روش شناخت وضعیت موجود به این نکات نیز واقف باشد تا بتوان شناختی صحیح برای حل مسأله را بدست آورد.